

استاندارد حسابداری شماره ۱۳

حسابداری مخارج تأمین مالی

فهرست مندرجات

شماره بند

- ۱ . مقدمه
- ۲ - ۳ . دامنه کاربرد
- ۴ - ۶ . تعاریف
- ۷ - ۲۵ . شناخت مخارج تأمین مالی
 - ۱۰ - ۱۵ - مخارج تأمین مالی قابل احتساب در بهای تمام شده دارایی
 - ۱۶ - مازاد مبلغ دفتری نسبت به مبلغ بازیافتی دارایی واجد شرایط
 - ۱۷ - ۱۹ - زمان شروع احتساب مخارج تأمین مالی در بهای تمام شده دارایی
 - ۲۰ - ۲۵ - توقف احتساب مخارج تأمین مالی در بهای تمام شده دارایی
- ۲۶ . افشا
- ۲۷ . تاریخ اجرا
- ۲۸ . مطابقت با استانداردهای بین‌المللی حسابداری

استاندارد حسابداری شماره ۱۳

حسابداری مخارج تأمین مالی

این استاندارد باید با توجه به "مقدمه‌ای بر استانداردهای حسابداری" مطالعه و بکارگرفته شود.

مقدمه

۱. هدف این استاندارد، تجویز نحوه عمل حسابداری مخارج تأمین مالی است. براساس این استاندارد، مخارج تأمین مالی عموماً بلافصله به عنوان هزینه دوره شناسایی می‌شود، به استثنای مواردی که این مخارج به حساب دارایی واجد شرایط منظور می‌گردد.

دامنه کاربرد

۲. این استاندارد باید برای حسابداری مخارج تأمین مالی بکار گرفته شود.

۳. مخارج واقعی یا انتسابی به حقوق صاحبان سرمایه، در این استاندارد مطرح نمی‌شود.

تعاریف

۴. اصطلاحات ذیل در این استاندارد با معانی مشخص زیر بکار رفته است:

۵. مخارج تأمین مالی عبارت است از سود تضمین شده، کارمزد و سایر مخارجی که واحد تجاری برای تأمین منابع مالی متحمل می‌شود.

۶. دارایی واجد شرایط یک دارایی است که آماده‌سازی آن جهت استفاده مورد انتظار یا فروش الزاماً مدت زیادی طول می‌کشد.

۷. مخارج تأمین مالی ممکن است شامل موارد زیر باشد:

الف. سود تضمین شده، کارمزد و جرایم دیر کرد تسهیلات مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت.

ب. مخارج جنبی تسهیلات مالی دریافتی از قبیل حق ثبت و حق تمبر اسناد تضمینی واگذاری در رابطه با قراردادهای مربوط.

ج. مخارج تأمین مالی مربوط به قراردادهای اجاره به شرط تمیلیک و خرید اقساطی که براساس استانداردهای حسابداری مربوط شناسایی می‌شود.

د. تفاوت تعییر ارز ناشی از تسهیلات ارزی دریافتی تا حدی که به عنوان تعديل سود تضمین شده و کارمزد تسهیلات مذکور محسوب می‌شود.

۸. موجودیهایی که رساندن آن به وضعیت قابل فروش مستلزم صرف دوره زمانی قابل ملاحظه‌ای است و نیز ماشین‌آلات تولیدی، تأسیسات تولید تیرو و ساختمانها، نمونه‌هایی از دارایی واجد شرایط می‌باشد. سایر سرمایه‌گذاریها و موجودیهایی که مرتباً یا به شیوه‌های دیگر به مقادیر زیاد و به طور مستمر در کوتاه‌مدت تولید می‌شود، دارایی واجد شرایط نیست. داراییهایی که به هنگام تحصیل برای استفاده مورد نظر یا فروش آمده است، به عنوان دارایی واجد شرایط تلقی نمی‌شود.

۷. مخارج تأمین مالی باید در دوره وقوع به عنوان هزینه شناسایی شود به استثنای مواردی که براساس بند ۸ به بهای تمام شده دارایی منظور می‌شود.

۸. آن بخش از مخارج تأمین مالی که مستقیماً قابل احتساب به تحصیل یک دارایی واجد شرایط است باید به عنوان بخشی از بهای تمام شده دارایی محسوب شود. مبلغ مخارج تأمین مالی قابل احتساب در بهای تمام شده دارایی، باید طبق این استاندارد تعیین شود.

۹. مخارج تأمین مالی در صورتی قابل احتساب در بهای تمام شده دارایی است که دارای منافع اقتصادی آتی برای واحد تجاری بوده و به گونه‌ای اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری باشد.

مخارج تأمین مالی قابل احتساب در بهای تمام شده دارایی

۱۰. مخارج تأمین مالی که مستقیماً قابل احتساب به تحصیل یک دارایی واجد شرایط است، آن دسته از مخارجی است که در صورت عدم تحصیل آن دارایی، باید از آن اجتناب می‌شود. چنانچه یک واحد تجاری مشخصاً به منظور تحصیل یک دارایی واجد شرایط خاص، اقدام به اخذ تسهیلات مالی کند، مخارج تأمین مالی را که مستقیماً به دارایی واجد شرایط مربوط است، به راحتی می‌توان تشخیص داد.

۱۱. ممکن است تشخیص رابطه مستقیم بین تسهیلات مالی خاص و یک دارایی واجد شرایط و همچنین تعیین تسهیلات مالی قابل اجتناب (در صورت عدم تحصیل دارایی) مشکل باشد. برای مثال، چنانچه فعالیت تأمین مالی واحد تجاری به صورت متمرکز انجام شود چنین مشکلی پیش می‌آید. در چنین شرایطی، تعیین مبلغ مخارج تأمین مالی که مستقیماً قابل احتساب به تحصیل دارایی واجد شرایط است مشکل و اعمال قضاوت ضروری می‌شود.

۱۲. در مواردی که تسهیلات مالی مشخصاً به منظور تحصیل یک دارایی واجد شرایط اخذ می‌گردد، مبلغ مخارج تأمین مالی قابل احتساب در بهای تمام شده آن دارایی باید شامل مخارج واقعی تسهیلات طی دوره پس از کسر هر گونه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وقت وجود حاصل از تسهیلات مالی دریافتی باشد.

۱۳. واحد تجاری ممکن است براساس قراردادهای تأمین مالی، وجهی را در ارتباط با یک دارایی واجد شرایط دریافت کند و قبل از مصرف تمام یا بخشی از این وجه برای دارایی موردنظر، متحمل مخارج تأمین مالی شود. در چنین شرایطی، اغلب این وجه به طور موقت تا زمانی که برای دارایی واجد شرایط مصرف شود، سرمایه‌گذاری می‌گردد. برای تعیین مبلغ مخارج تأمین مالی قابل احتساب در بهای تمام شده دارایی، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وقت این وجه از مبلغ مخارج تأمین مالی تحمل شده، کسر می‌شود.

۱۴. چنانچه فعالیت تأمین مالی واحد تجاری به صورت متمرکز انجام شود و بخشی از وجوده مربوط جهت تحصیل یک دارایی واجد شرایط به مصرف برسد، مخارج تأمین مالی قابل احتساب در بهای تمام شده دارایی را باید با اعمال نرخ جذب نسبت به مخارج انجام شده جهت آن دارایی تعیین کرد. نرخ جذب موردنظر باید برابر با میانگین موزون مخارج تأمین مالی برای تسهیلات مالی طی دوره، به استثنای تسهیلاتی باشد که مشخصاً به منظور تحصیل یک دارایی واجد شرایط اخذ گردیده است.

مبلغ مخارج تامین مالی که طی دوره به بهای تمام شده دارایی منظور می شود نباید از مبلغ مخارج تامین مالی تحمل شده طی آن دوره بیشتر باشد.

۱۵. در برخی موارد، برای محاسبه میانگین موزون مخارج تامین مالی، درنظر گرفتن کلیه تسهیلات مالی دریافتی واحد تجاری اصلی و واحدهای تجاری فرعی آن مناسب است. در سایر موارد، برای محاسبه میانگین موزون مخارج تامین مالی مربوط به واحدهای تجاری فرعی، تنها تسهیلات مالی مربوط به همان واحد درنظر گرفته می شود.

مازاد مبلغ دفتری نسبت به مبلغ بازیافتی دارایی واحد شرایط

۱۶. چنانچه مبلغ دفتری یا بهای تمام شده نهایی مورد انتظار دارایی واحد شرایط بیشتر از مبلغ بازیافتی آن باشد، مبلغ دفتری طبق الزامات استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان حسابداری داراییهای ثابت مشهود کاهش می یابد. در شرایطی خاص، طبق الزامات استاندارد مذکور مبلغ کاهش مجدداً برگشت داده می شود.

زمان شروع احتساب مخارج تامین مالی در بهای تمام شده دارایی

۱۷. احتساب مخارج تامین مالی در بهای تمام شده دارایی واحد شرایط باید زمانی شروع شود که:

الف. برای دارایی مربوط مخارجی در حال انجام باشد،

ب. مخارج تامین مالی در حال وقوع باشد، و

ج. فعالیتهای لازم برای آماده سازی دارایی مربوط جهت استفاده مورد نظر یا فروش در جریان باشد.

۱۸. مخارج مربوط به دارایی واحد شرایط که در تعیین مبلغ قابل احتساب مخارج تامین مالی در بهای تمام شده دارایی مدنظر قرار می گیرد، تنها شامل آن دسته از مخارجی است که درنتیجه پرداخت وجه نقد، انتقال سایر داراییها یا تقبل بدھیهای متنضم مخارج تامین مالی، ایجاد شده است. مخارج انجام شده از محل مبالغ دریافتی بابت پیشرفت کار (درخصوص داراییهایی که برای فروش ساخته می شود) و نیز کمکهای بلاعوض در ارتباط با دارایی (به استاندارد حسابداری شماره ۱۰ با عنوان حسابداری کمکهای بلاعوض دولت مراجعة شود) به عنوان بخشی از مخارج قابل احتساب مربوط به دارایی واحد شرایط محسوب نمی شود. میانگین موزون مبلغ دفتری دارایی واحد شرایط طی دوره شامل آن بخش از مخارج تامین مالی که قبل از بهای تمام شده آن دارایی منظور شده است، معمولاً تقریبی منطقی از مخارجی است که در آن دوره برای محاسبه مخارج تامین مالی قابل احتساب در بهای تمام شده دارایی بکار می رود.

۱۹. فعالیتهای لازم جهت آماده سازی دارایی برای استفاده مورد نظر یا فروش، دربرگیرنده عملیاتی فراتر از ساخت فیزیکی آن دارایی است. این فعالیتها شامل کارهای فنی و اداری لازم قبل از شروع ساخت فیزیکی دارایی، از قبیل فعالیتهای مرتبط با دریافت پرونده ساخت است. لیکن در زمانی که عملیات تولید یا توسعه که منجر به تغییر وضعیت دارایی می شود در جریان نباشد، نگهداری دارایی جزء این فعالیتها محسوب نمی شود. برای مثال، مخارج تامین مالی تحمل شده در دورهای که عملیات ساختمنی بر روی زمین در حال انجام است، قابل احتساب در بهای تمام شده است، اما چنانچه زمین برای ایجاد ساختمنان تحصیل شود، لیکن عملیات ساختمنی روی آن انجام نگیرد، مخارج تامین مالی که طی دوره نگهداری زمین واقع می شود، قابل احتساب در بهای تمام شده دارایی نیست.

توقف احتساب مخارج تأمین مالی در بهای تمام شده دارایی

۲۰. چنانچه عملیات ساخت فعالانه دارایی برای مدت طولانی متوقف شود ، باید از احتساب مخارج تأمین مالی طی مدت مزبور در بهای تمام شده دارایی خودداری کرد .

۲۱. مخارج تأمین مالی ممکن است در دوره‌ای طولانی که طی آن فعالیتهای لازم جهت آماده‌سازی دارایی برای استفاده مورد نظر یا فروش متوقف شده است، واقع شود. این مخارج، واجد شرایط لازم برای احتساب در بهای تمام شده دارایی نیست، اما در دوره‌ای که کارهای اداری و فنی قابل توجهی درحال انجام باشد و یا برای آماده‌سازی دارایی جهت استفاده مورد نظر یا فروش، تأخیر موقت در عملیات اجتناب ناپذیر باشد، احتساب مخارج تأمین مالی در بهای تمام شده دارایی معمولاً متوقف نمی‌شود. برای مثال چنانچه به دلیل شرایط جوی معمول منطقه، اجرای عملیات ساختمانی در مقاطعی از سال امکان‌پذیر نباشد، در این صورت احتساب مخارج تأمین مالی در بهای تمام شده دارایی ادامه می‌یابد.

۲۲. از زمانی که کلیه فعالیتهای لازم برای آماده‌سازی دارایی واجد شرایط برای استفاده موردنظر یا فروش به‌طور اساسی تکمیل شود ، باید احتساب مخارج تأمین مالی را در بهای تمام شده آن دارایی متوقف کرد .

۲۳. هرگاه ساخت فیزیکی یک دارایی تکمیل شود، آن دارایی معمولاً برای استفاده موردنظر یا فروش آماده است حتی در صورتی که کارهای اداری معمول آن همچنان ادامه داشته باشد یا تنها اصلاحات جزئی از قبیل تزئین داخلی دارایی مطابق با مشخصات موردنظر خریدار یا استفاده‌کننده باقی مانده باشد.

۲۴. چنانچه ساخت بخش‌هایی از یک دارایی واجد شرایط به‌طور اساسی تکمیل شده باشد و هریک از بخش‌های تکمیل شده همزمان با ادامه ساخت سایر بخشها قابل استفاده مورد نظر یا فروش باشد ، باید احتساب مخارج تأمین مالی در بهای تمام شده بخش‌های تکمیل شده را متوقف کرد .

۲۵. یک مرکز تجاری متشکل از چندین ساختمان که هریک به‌صورت جداگانه قابل استفاده باشد، نمونه‌ای از دارایی واجد شرایطی است که هریک از بخش‌های آن همزمان با ادامه ساخت سایر بخشها قابلیت استفاده دارد. بالعکس، یک واحد صنعتی مشتمل بر چندین مرحله تولیدی که به‌صورت پیوسته در بخش‌های مختلف واقع در محوطه کارخانه صورت می‌گیرد (از قبیل کارخانه ذوب فلزات)، از جمله دارایهای واجد شرایطی است که هیچ‌یک از بخش‌های آن قبل از تکمیل کلیه بخشها قابلیت استفاده ندارد.

افشا

۲۶. موارد زیر باید بر حسب مورد در صورتهای مالی افشا شود:

- الف. مبلغ مخارج تأمین مالی که طی دوره به بهای تمام شده دارایی منظور شده است ، و
- ب. نرخ جذب استفاده شده برای تعیین مبلغ مخارج تأمین مالی قابل احتساب در بهای تمام شده دارایی واجد شرایط .

تاریخ اجرا

۲۷. الزامات این استاندارد در مورد کلیه صورتهای مالی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱ و بعد از آن شروع می‌شود ، لازم الاجراست .

۲۸ . با اجرای الزامات این استاندارد، مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۲۳ با عنوان **مخارج تأمین مالی** نیز رعایت می‌شود.